

نایب رئیس - ... شدن آقایان باعث میشود که مجلس با تسری از انتظامات خودش خارج بشود و این ترتیب البته خوب نیست

آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - بنده يك پيش نهادی تقدیم کرده بودم لاگر اجازه می فرمائید قرائت شود

نایب رئیس آقای گروسی (اجازه)

اقبال السلطان - آقای گروسی موافقت دیگر نمیتوانند صحبت کنند

نایب رئیس - چند نفر اجازه خواسته اند که اسامی ایشان از این قرار است

آقایان گروسی، داور، نصرت الدوله حاج شیخ اسدالله آقاسید فاضل حالا اگر در همین موضوع مذاکره میفرمائید ترتیب مخالف و موافق مذاکره بفرمائید. آقای اقبال السلطان در این موضوع موافقت یا مخالف

اقبال السلطان مخالفم نایب رئیس بفرمائید

اقبال السلطان - بنده تعجب میکنم هرناطقی که پشت تریبون میآید مقدمه اظهار میکنند که میخواهم حقایق را بگویم بعد حقایق را نمیگویند اگر آقایان فراموش فرموده باشند آن شبی که آقای ملک الشیرا بدولت اعتراض کردند خود آقای تدین اظهار کردند چون وزراء و هیئت دولت حاضر نیست بنا بر این نایبستی در غیاب هیئت دولت صحبتی کرد

تدین مطابق اصل شصت و هفتم قانون اساسی است

اقبال السلطان آن اصل را خواهم عرض کرد آن شب آقای تدین اینطور فرمودند و امروز اینطور میفرمایند

و حمله میکنند و اصلاً معلوم نیست اساس حمله چه بوده مثلاً میفرمایند یولهای زیادی دولت پیشنهاد کرده است بنده عرض میکنم ۱۲۰ هزار تومان حقوق اعلیحضرت بود که در کابینه که شما کابینه سیاهش میدانید کسر کرده بودند و در زمان کابینه آقای قوام السلطنه پیشنهاد کردند و در زمان این کابینه تصویب شد و شما اگر نمیخواستید رأی بدهید آن روزی که این لایحه بمجلس آمد رأی نمیدادید

شما مخالفت نکردید و رأی دادید فقط چهار نفر بحال امتناع باقی ماند آن روز میخواستید در هر صورت شما آن روز موافقت کردید و امروز مخالفت میکنید دیگر اینکه فرمودند دولت بنا بود با اکثریت مذاکره کند و لویایح خود را بفرما کسیون اکثریت بفرستد و نظریات اکثریت را جلب کرده بمجلس بیاید شما از همان روز اول که اکثریت تشکیل دادید چه اکثریتی بودید؟

از همان روزی که آرزوها و مقاصد شما بعمل نیامد اظهار مخالفت کردید

همین آقایان تماشاجی که اینجا هستند میدانند که آن روز شما بچه نظر موافقت کردید و امروز از چه راه مخالفت مینمائید بر هیچکس هم پوشیده نیست

تدین - من اقبال السلطان - باشخص کار ندارم و بطور عمومی میگویم همه میدانند که علت موافقت آن روز ما چه بود و علت مخالفت امروز ما چیست. حالا می آیم بسر موضوع اصل ۶۷ که شاهزاده نصرت الدوله خیلی برای آن اظهار حرارت میکنند

( نصرت الدوله - اصل ۶۷ را بخوانید ) خیر اصل ۶۷ مفسر مواد قبل است در اصل ۲۷ مینویسد: مجلس در هر جا نقصی در قوانین و یا مسامحه در اجرای آن ملاحظه کند بوزیر مسئول آن کار اخطار خواهد کرد و وزیر مزبور باید توضیحات لازم را بدهد اصل ۲۸ میگوید:

هر گاه وزیری بر خلاف یکی از قوانین موضوعه که بصرحه همایونی رسیده است الخ. عرض این است که در اصل ۲۷ این مطلب را میگوید که هر گاه خطائی از وزیر دیده شد که برخلاف قانون عمل کرده است باید از او استیضاح نماید اگر جواب داد در شغل خود باقی خواهد ماند و اگر نتوانست آنوقت منعزل است و در همان زمانیکه این قانون اساسی نوشته شده است پیش بینی کرده اند که شاید در مجلس از وزیری استیضاح شد و نتوانست جواب بدهد و از کار هم کناره گیری نکرد آنوقت چه باید کرد برای تحکیم این اصل ۶۷ حضرت

والا شاهزاده نصرت الدوله هم کار درست نمی شود و فایده ندارد. بنا بر این اصل ۶۷ مفسر مواد قبل است و لذا هیچ علت ندارد که شما بگورقه بنویسید و بموجب آن اظهار عدم اعتماد نسبت بدولتی کنید در صورتیکه عدم اعتماد خود را معلوم ندارید باید فهمید که در مقابل چه شما بدولت اعتماد ندارید. نباید همچو سابقه در مجلس گذارد که بمجرد امضا کردن يك ورقه دولتی از بین برود بلکه باید از دولت سؤال و استیضاح کرد و بملت فهماند که تصحیر آقایان وزراء مثلا این بوده است که یکصد و بیست هزار تومان تخفیف مالیاتی خواسته اند و نداده است. در پشت تریبون حقایق را باید گفت که همه مردم از تماشاجی و روزنامه نویس و غیره بدانند که اصل قضیه چه بوده در اطراف آن حکمیت کنند و الا باینکه شما از این خانه بآن خانه و از منزل این آقا بمنزل آن آقا بروید و دست فلان و فلان را ببوسید که پای ورقه را امضاء کنند این صحیح نیست و کار درست نمیشود بلکه راهی را باید پیش بگیرد که سابقین هم رفته باشند

راه انداختن هر دولتی این است که از او سؤال و استیضاح کنند و نه تصحیر آنش را بگویند آنوقت در نتیجه اکثریت را بسقوط دولت داد البته خواهد رفت والا با این ترتیب نمیشود دولتی را از کار انداخت

نایب رئیس - آقای گروسی ( اجازه ) آقا شیخ محمد حسین گروسی - برسبیل کلی هر کس که امور شخص خود را باشخاص رجوع میکنند دو جهت دارد یکی در اثر اعتماد و اطمینانی است که نسبت بآن شخص دارد و یکی هم اقتدار اینکه در صورت تخطی او را مجازات کند

این مسئله برای هر فردی از افراد الناس است و البته هیچکس کار خود را بفرامین نمیسپرد. مجلس شورای ملی هم قانون اساسی و نظامنامه را مطابق همین دو نظر نوشته است. یکی مسئله اعتماد و عدم اعتماد است که مربوط بخطیبه نیست

خواه کاری از دولت سر زده باشد خواه سر زده باشد وقتی مجلس اظهار عدم اعتماد کرد البته آن دولت باید از بین برود این مربوط بتصحیر و خطیبه نبوده و موضوعی علیحده و مستقل است

مسئله بر سر اعتماد و عدم اعتماد مجلس است و دخلی باین ندارد که تصحیر کرده یا نکرده است بموجب مواد قانون اساسی و قتیکه اکثریت مجلس اظهار عدم اعتماد بیک دولت کرد آن دولت رسمیت نخواهد داشت و الا انهم از همان موارد است یعنی اکثریت مجلس اظهار عدم اعتماد بدولت کرده و کتباً تقدیم مقام ریاست نموده اند اما اینکه میفرمایند مکان و محل هم مدخلیت دارد بنده هم قبول میکنم که مکان و محل تأثیر دارد ما نه به آن شدتیکه فرمودند مثلا اگر تماشاجی در مجلس نباشد مذاکرات رسمیت نخواهد داشت؟ خیر

حضور تماشاجی در مجلس برای اینست که اگر فرضاً نقائصی در اظهارات و کبلی دید باو بگویند و در هیچ قانون هم نیست که اگر تماشاجی در مجلس نباشد رسمیت ندارد

ولی البته محل و مکان هم مدخلیت دارد. باری چون سلیقه و مذاق بنده این است که مشقت حرف بزدم بر میگردم باصل حرف و عرض میکنم سرزدن تصحیر و استیضاح کردن از دولت با اعتماد نداشتن بدولت دو موضوع علیحده است که نباید بیکدیگر مخلوط کرد

در مورد اولی باید وزیر را حاضر کرد و از او استیضاح نمود و بعد از آنکه آن وکیل مدلل داشت البته اسباب تردیدی برای سایر و کلاه هم حاصل میشود و حالا اگر آقایان بگویند این ترتیب سابقه نبوده است مورد ندارد و عرض می کنم قانون اساسی را هر وقت اجراء کنند

این مسئله برای هر فردی از افراد الناس است و البته هیچکس کار خود را بفرامین نمیسپرد. مجلس شورای ملی هم قانون اساسی و نظامنامه را مطابق همین دو نظر نوشته است. یکی مسئله اعتماد و عدم اعتماد است که مربوط بخطیبه نیست

خواه کاری از دولت سر زده باشد خواه سر زده باشد وقتی مجلس اظهار عدم اعتماد کرد البته آن دولت باید از بین برود این مربوط بتصحیر و خطیبه نبوده و موضوعی علیحده و مستقل است

مسئله بر سر اعتماد و عدم اعتماد مجلس است و دخلی باین ندارد که تصحیر کرده یا نکرده است بموجب مواد قانون اساسی و قتیکه اکثریت مجلس اظهار عدم اعتماد بیک دولت کرد آن دولت رسمیت نخواهد داشت و الا انهم از همان موارد است یعنی اکثریت مجلس اظهار عدم اعتماد بدولت کرده و کتباً تقدیم مقام ریاست نموده اند اما اینکه میفرمایند مکان و محل هم مدخلیت دارد بنده هم قبول میکنم که مکان و محل تأثیر دارد ما نه به آن شدتیکه فرمودند مثلا اگر تماشاجی در مجلس نباشد مذاکرات رسمیت نخواهد داشت؟ خیر

حضور تماشاجی در مجلس برای اینست که اگر فرضاً نقائصی در اظهارات و کبلی دید باو بگویند و در هیچ قانون هم نیست که اگر تماشاجی در مجلس نباشد مذاکرات رسمیت نخواهد داشت؟ خیر

ولی البته محل و مکان هم مدخلیت دارد. باری چون سلیقه و مذاق بنده این است که مشقت حرف بزدم بر میگردم باصل حرف و عرض میکنم سرزدن تصحیر و استیضاح کردن از دولت با اعتماد نداشتن بدولت دو موضوع علیحده است که نباید بیکدیگر مخلوط کرد

در مورد اولی باید وزیر را حاضر کرد و از او استیضاح نمود و بعد از آنکه آن وکیل مدلل داشت البته اسباب تردیدی برای سایر و کلاه هم حاصل میشود و حالا اگر آقایان بگویند این ترتیب سابقه نبوده است مورد ندارد و عرض می کنم قانون اساسی را هر وقت اجراء کنند

این مسئله برای هر فردی از افراد الناس است و البته هیچکس کار خود را بفرامین نمیسپرد. مجلس شورای ملی هم قانون اساسی و نظامنامه را مطابق همین دو نظر نوشته است. یکی مسئله اعتماد و عدم اعتماد است که مربوط بخطیبه نیست

مقدس و محترم است و باید روی چشم گذاشت

حالا من باب اتفاق آنمورد موقع جریان پیدا کرده و اغلب اوقات مورد استیضاح است. استیضاح ندارد که گفته شود پیش آمد. سابقه است. سابقه مجلس ماده بر خلاف اساسی حکومت نمیتواند در قبال قانون حاکم است بر داشته باشد قانون اساسی. مجلس را هر سابقه و عملیات مجلس سابقه قانون باید مراعات کرد در صورتیکه مخالف نباشد

این سابقه در موردی بوده است که وکیل خواسته است بعضی خلاف قانون هئی که از وزیر سر زده است از او استیضاح نماید و او هم توضیح میدهد و این مسئله است علیحده و مربوط بعدم اعتماد نیست مگر روزیکه پروگرام دولت بمجلس میآید و هنوز داخل در عمل نشده اگر مجلس بآن پروگرام رأی نداد و عدم اعتماد خود را نسبت بدولت اظهار کرد آیا آن دولت باید استعفا بدهد یا خیر؟

بنا بر این ممکن است گفته شود هنوز خطائی از او سر زده است پس باین دلیل مسئله عدم اعتماد موضوعی است علیحده و استیضاح موضوع دیگری است لهذا عرض میکنم که محتاج بهیچ استیضاح نیست و همین اظهارات ما در جلسه علنی با حضور آقایان نمایندگان نسبت بدولت حاضر اظهار عدم اعتماد کرده اند و ورقه را امضاء نموده و بمقام محترم ریاست مجلس تقدیم داشته اند و همین اندازه معلوم میکنند که دولت منعزل است

( جمعی گفتند صحیح است و برخی گفتند صحیح نیست صحیح نیست ) گروسی - نیست که نباشد نایب رئیس - اجازه ها محفوظ است برای جلسه آینده

( مجلس تقریباً نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد ) رئیس مجلس - مؤتمن الملک

جلسه ۲۸۰ صورت مشروح مجلس یوم شنبه ۱۰ جوزا ۱۳۰۲ برابر ۱۴ شوال ۱۳۴۱ ( مجلس دو ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید ) صورت مجلس یوم چهارشنبه ۹ جوزا را آقای میرزا ناصر قرائت نمودند

رئیس - نسبت بصورتجلسه ایرادی نیست؟ ( گفته شد خیر ) رئیس - دیروز اینجا نسبت به هیئت دولت مذاکراتی شده بود و بقیه مذاکرات را موکول کرده بودید بجلسه امروزولی بنده گمان میکنم مناسب تر این باشد که این قبیل مذاکرات در هیئت رئیسه بعمل آید چون تا درجه راجع بمسائل قانونی

رئیس - نسبت بصورتجلسه ایرادی نیست؟ ( گفته شد خیر ) رئیس - دیروز اینجا نسبت به هیئت دولت مذاکراتی شده بود و بقیه مذاکرات را موکول کرده بودید بجلسه امروزولی بنده گمان میکنم مناسب تر این باشد که این قبیل مذاکرات در هیئت رئیسه بعمل آید چون تا درجه راجع بمسائل قانونی

رئیس - دیروز اینجا نسبت به هیئت دولت مذاکراتی شده بود و بقیه مذاکرات را موکول کرده بودید بجلسه امروزولی بنده گمان میکنم مناسب تر این باشد که این قبیل مذاکرات در هیئت رئیسه بعمل آید چون تا درجه راجع بمسائل قانونی



است اگر این اشکالات در هیئت رئیسه حل نشد و موفق بیک ترتیبی نشدیم آنوقت آقایان مختارند در هر جا که بخواهند این مسئله را تعقیب نمایند - جمعی از نمایندگان ( صحیح است ) با فضل کمان میکنند مناسب این باشد که دستور سابق را تعقیب کنیم. آقای نجات

( اجازه )

**آقای میرزا محمد نجات** - عرض بنده راجع بدستور بود پرونده عرض کردم پیشنهادهای راجع بطبعه مجلس شده است چون داخل در عبادت مملکت است تقاضا میکنم مقدم بر دستور باشد خیلی هم مختصر است و چندان مذاکره هم لازم ندارد.

**رئیس** - یک مطلب دیگر هم بود که باید قبلاً بر عرض آقایان برسانم ۹ نفر از اعضا کمیسیون بودجه سابق استمفا کرده اند بدین لحاظ تشکیل کمیسیون غیر مقدر است ولو ارجح مهمی که راجع باین کمیسیون است همینطور معطل مانده در خارج مذاکره شد که اگر مجلس تصویب کند آن لوایح به جدید مراجعه شود بهتر خواهد بود.

اگر در این باب مخالفی نیست بهین ترتیب عمل شود.

آقای حاجریزاده

( اجازه )

**حاجریزاده** - بنده در این خصوص عرضی نداشتم. **رئیس** - در این موضوع مخالفی نیست؟

( گفته شد خیر )

**رئیس** - دستور سابق لایحه نطفشمال از ماده ۱۵ است . . . .

**نجات** - اما راجع به تقاضای بنده خوب بود مذاکره میشد.

**رئیس** این مسئله باید در هیئت رئیسه مذاکره شده و اقدام بشود

( صحیح است )

( ماده پانزدهم شرح ذیل قرائت شد )

ماده ۱۵ - دولت باید در امتیاز نامه قید نماید که صاحب امتیاز متعهد است از مقدار نطفی که بموجب این امتیاز در ایران تحصیل میشود معادل احتیاجات و مصارف ایران در خود ایران تصفیه نماید دولت و ساکنین ایران حق خواهند داشت که مقدار نطف تصفیه شده و بتزینی حکم برای استعمال و مصرف داخله لازم است ( ولی نه برای صدور از ایران بجهت فروش ) به قیمتیکه حقیقتاً تمام میشود به علاوه صدی ده از صاحب امتیاز خریداری نماید قیمت هر چلیک نطف خارج قیمت منافع ذیل خواهد بود بنده چلیکهای استخراج شده قیمت حقیقی مزبور عبارت است :

(۱) قیمت نطف تصفیه شده که عبارت

است از مزد عملجات و مخارج سوخت و آماده کردن آن .  
(ب) مخارج تصفیه و حمل و حاضر کردن برای فروش در ایران .  
(ج) مخارج اداری و دفتر داری و نظارت در ایران .  
(د) استهلاك سرمایه مصروفه برای

احداث کارخانجات و ملزوماتیکه در معرض استعمال و برای تحصیل نطف و تصفیه و فروش آن بموجب این قرارداد لازم است از قرار سالی ۱۲ و نیم تا وقتی که سرمایه مصروفه بالغ بر صدی صد شود .  
(ذاریع سرمایه مصروفه از قرار نرخ سالیانه صدی ۷ مادام که سرمایه مزبور مستهلك نشده است .

تبصره ۱ - مقصود از جمله (استعمال و مصرف خصوصی) مقدار نطف تصفیه شده است که اشخاص با شرکاء و کمپانی و شرکت ها و تأسیسات دیگر در ایران مصرف می نمایند و بطور کلی مقصود این است که صاحب سکنه ایران از محصولات مزبور در صورتیکه موجود شود بر آورده گردد مشروط بر اینکه برای مصرف محلی باشد نه برای صدور جهت فروش در خارج از ایران بوسیله دولت یا اشخاص متفرقه .

تبصره ۲ - کلمه چلیک واحد کبل و عبارت از ۴۲ گالن امریکائی است بمراتر ۶۰ درجه فارنهایت .

**رئیس** - در خاطر آقایان هست که در سومین برج راجع باین ماده مذاکرات زیاد شده و تقریباً یک جلسه در این ماده حرف زده شده حالا اگر مخالفی نباشد رای بگیریم .

**مدرس** - پیشنهاداتی راجع به این ماده شده بود .

**رئیس** - قرائت میشود ولی قبلاً باید معلوم بشود که مذاکرات در این ماده کافی است یا نه ؟

آقایانیکه مذاکرات در این ماده را کافی میدانند قیام فرمایند .

**حاجریزاده** - از طرف دولت تقاضا شده بود که این ماده بکمیسیون مراجعه شود .

**رئیس** - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند .  
(اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - اکثریت است معلوم میشود کافی است .

(پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که قسمت اولی از ماده ۱۵ این قسم اصلاح شود . دولت و ساکنین ایران حق خواهند داشت که مقدار نطف تصفیه شده و تصفیه نشده و تمام مواد نطفی ( قیر و موم معدنی و گاز طبیعی و غیره ) که برای استعمال و مصارف داخله ایران لازم است الخ و نیز در آخر ماده

راجع به خارج در فقره چهارم این قسم اصلاح شود .  
استهلاك سرمایه مصروفه برای احداث کارخانجات و ملزوماتیکه در معرض استعمال برای تحصیل نطف و تصفیه و فروش در ایران صرف شده تا وقتیکه سرمایه مصروفه بالغ بر صدی صد شود .

**رئیس** - آقای حاج شیخ اسدالله ( شیخ اسدالله )

( اجازه )

**حاج شیخ اسدالله** - در آنروز نظرم هست راجع باین ماده که مخصوصاً نسبت باین قسمت ثانی که پیشنهاد کردم عرضی کردم حالا هم برای توضیح این پیشنهاد با تکرار میکنم :

راجع به قسمت اولی این پیشنهاد تصور میکنم خود آقای مخبر هم تدقیق میفرمایند که باید اصلاح شود زیرا ما محتاج ایرانیها را فقط از نطف تصفیه نشده نوشته است و حال آنکه ممکن است ما محتاج ایرانی ها از سایر مواد نطفی هم باشد مثلاً از نطف تصفیه شده برای کارخانجات یا قیر و موم معدنی برای مصرف دیگر شاید ایرانی ها احتیاج داشته باشند این است که بنده پیشنهاد کردم در آنجا تصریح شود از تمام مواد معدنی که رفع احتیاج ایرانی ها ( نه تنها ایرانیها بلکه ساکنین ایران اعم از این که تبعه ایران باشند یا نباشند شود و خود آقای مخبر هم تصور میکنم مخالف نباشند و قبول فرمایند راجع بقسمت دیگر که استهلاك سرمایه باشد يك قسمت از نظریات خود را پیشنهاد عرض نکردم ناچارم شفاهاً در آن خصوص هم توضیحی بدهم

استهلاك تمام سرمایه در ظرف هشت سال از قرار سالی صد دوازده و نیم بعقیده بنده خیلی مضرت است و باید در يك مدت خیلی زیادتری استهلاك شود یعنی هر قدر مدت امتیاز باشد همانقدر قرار بدهند یعنی اگر مدت امتیاز را چهار سال قرار دادیم ده سال را باید استثناء نماییم برای عملیات مقدماتی و در بقیه مدت که سی سال است استهلاك نمایند وقتی که سی سال را حساب کنیم سالی صدی ۴ کمتر میشود ولی چون ما مدت این امتیاز را ۵۰ سال فرض می کنیم ده سال را برای عملیات مقدماتی استثناء میکنیم چهل سال باقی می ماند آن وقت سالی صد و نیم کسر میشود که در عرض چهل سال استهلاك نماید . نسبت با استهلاك سرمایه آنروز هم آقای آقا سید یعقوب از بنده دفاع کردند که استهلاك سرمایه طرق مختلفه دارد و باید اصل سرمایه تمام مستهلك شود بنده هم عرض کردم البته باید سرمایه تمام مستهلك شود ولی وقتی که برای نطف صدی ده در ایران اضافه کنند و برای ربح سرمایه مصروفه صدی هفت معین نمایند تصور می کنم خیلی زیاد باشد ممکن است يك مقدار عمده از این

سرمایه در خارج ایران مصرف شود و کمپانی در جاهای دیگر خارج از ایران کارخانه تصفیه احداث کند و لوله های نطف و اداراتی که محتاج است يك قسمتش را در خارج تأسیس کند آنوقت استهلاك آن سرمایه که در خارج ایران مصرف شده از این نطف که در داخل ایران بفروش میرسد موضوع شود .

بعقیده بنده خیلی بیورد است این است که بنده عقیده دارم از آن سرمایه که در داخله ایران مصرف میرسد در موقع خودش استهلاك نماید و اگر بنا باشد تمام سرمایه را که در هر نقطه بصرف رسانیده در موقع فروش بایران مخارج آنرا هم منظور نماید صحیح نیست و ضرر دارد و نتیجه اش این میشود ما که ایرانی هستیم در سر معدن نطف خودمان اگر بخوایم نطف بخریم با آن قیمتی که در امریکا کمپانی میفروشد يك قیمت بخریم در صورتیکه اگر کمپانی بخواید در امریکا هم نطف را بصرف فروش برساند زیاد از صدی ده گمان نمی کنم منافع ببرد مگر يك وقتی باشد که نطف کم باشد و صدی بازده یا صدی شانزده منفعت بکمپانی بدهند و معمولاً صدی ده بیشتر عایدات تجارتمی نیست و آن وقت ما باید نطفی که در اروپا یا در امریکا بفروش میرسد در ایران هم بهمان قیمت بخریم و بنده این را خارج از عدالت می دانم و عقیده ام این است که باید آنچه که در ایران مصرف میشود همان اندازه که مخارجش شده بفروش برسد .

**مخبر** - در قسمت اول پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله که راجع بمواد نطفی است بنده مخالف نیستم ولی باید خودشان بدانند که قیدش هم چندان لزومی ندارد و برای اینکه اصل مقصود از این قسمت که کمپانی را ملزم کنیم که نطف را در ایران تصفیه کند که از اول باندازه احتیاج ایرانیها نطف تصفیه شده داشته باشد از طرف دیگر باید ملاحظه فرمایند مواد دیگر نطفی را کمپانی ملزم و مجبور با استخراج نیست از برای اینکه مثلاً گاز طبیعی را کمپانی اگر دلش نخواهد از چاه نطف بیورد ما باو نمی توانیم ایرادی بکنیم چون ملزم نیست ما فقط اجازه استخراج نطف را بکمپانی میدهیم و نیز اجازه میدهیم که ضمناً از قیر و موم معدنی هم استفاده کند بنابراین سرمایه این قیدی که میفرمایند در اینجا بکنیم برای چیست ؟ بنده گمان می کنم همان طوری که ماده پانزدهم نوشته شده بگذاریم بماند بهتر باشد ولی اگر آقای حاج شیخ اسدالله اصرار دارند ( در صورتی که بنده چندان لازم نمیدانم ) حاضریم که این جمله هم قید شود ولی عرض می کنم چندان لزوم ندارد و نسبت بقسمتیکه راجع با استهلاك سرمایه فرمودند بنده نمیتوانم

این ماده بماند برای روز شنبه بهتر باشد

نظریات ایشان را قبول نمایم **رئیس** - ( خطاب بمخبر ) بالاخره پیشنهاد ایشان را باید تفکیک کرد ؟ **مخبر** - بلی قسمت اول را بنده اصلاح می کنم تا نظیر رای بگیریم **رئیس** - قسمت ثانوی قرائت میشود و رای می گیریم .  
( بشرح ذیل قرائت شد )

استهلاك سرمایه مصروفه برای احداث کارخانجات و ملزوماتیکه در معرض استعمال برای تحصیل نطف و تصفیه و فروش در ایران صرف شده تا وقتی که سرمایه مصروفه بالغ بر صدی صد شود .

شیخ اسدالله **رئیس** - آقایانیکه این قسمت ثانی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند ( عده قلیلی قیام نمودند )

**رئیس** - قابل توجه نشد . اصلاح دیگر قرائت میشود .  
( بشرح ذیل خوانده شد )

بنده پیشنهاد میکنم که بعد از جمله ( دولت و ساکنین ایران حق خواهند داشت که مقدار نطف تصفیه شده ) جمله ( و تصفیه نشده و سایر مواد نطفی ) قید شود .  
محمد دانش

**مخبر** - اینجا اشکال دیگری هم بنده دارم پیشنهاد آقای دانش را منتقم می شمارم برای اینکه این تذکره را بدو هم شاید آقای حاج شیخ اسدالله هم از پیشنهاد خودشان صرف نظر کنند و این اشکالی که اینجا شده است که ساکنین ایران نطف را باید به از وضع مخارج معینا صدی ده اضافه خریداری کنند اینجا حسابی است که اشخاص متخصص راجع بمسئله نطف کرده اند ولی راجع بمواد نطفی دیگر این حساب گمان نمیکنم صحیح باشد بنده نمیتوانم اینجا تصدیق کنم که این حساب شامل سایر مواد نطفی هم بشود و هیچ لزومی هم ندارد اینست که بنده لازم میدانم در این ماده از این پیشنهادات صرف نظر شود . ویس از اختتام قانون در مجلس مطالعه در این پیشنهادات بشود و اگر لازم شد يك تبصره یا يك ماده العاقبه علاوه میکنیم تا مقصود آقایان حاصل شود ولی چون فعلاً در این ماده حساب و بیزانی معین شده و معلوم نیست این حساب تطبیق با سایر مواد نطفی میکند یا نه گمان میکنم توضیح شود بهتر باشد

**مدرس** - پس اصل ماده بحال خود باقی بماند ؟

**مخبر** - بلی اصل ماده سراسر است و باقی باشد بهتر است و بنده میتوانم مسئولیت قبول آن قسمت را هم که عرض کردم عهده دار شوم

**رئیس** - چون پیشنهادها زیاد است و مدتی مشغول مذاکره در پیشنهادها و رای گرفتن در آنها خواهیم بود گمان میکنم این ماده بماند برای روز شنبه بهتر باشد

**نصرت الدوله** مخبر - ما ندانیم تصور میکنم غیر از تأخیر وقت فایده دیگری نداشته باشد زیرا تمام این مذاکرات در کمیسیون شده ولی اکثریت آقایان اعضاء کمیسیون با این نظر موافقت ننکرده و باین ترتیب تصویب نموده اند و تصور میکنم غیر از اتلاف وقت تمر دیگری نداشته باشد **رئیس** - اگر آقای مخبر قبول نمی کنند باید مذاکره شود . بالاخره باید در قسمت اول پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله رای بگیریم یا نه

**مخبر** - در موضوع پیشنهاد ایشان اگر آقایان موافقت کنند و این را مسکوت بگذارند تا بعد آنوقت این نظریه ایشان را با يك ماده العاقبه یا يك تبصره تأمین می کنیم گمان دارم بهتر باشد چون این پیشنهاد محتاج بمطالعه است ممکنست آقایان این ماده را بگذرانند تا بعد نظریه ایشان را در يك تبصره تأمین کنیم و اگر راضی نشوند باید رای گرفت

**رئیس** - ( خطاب با آقای حاج شیخ اسدالله ) چه میفرمائید ؟ **حاج شیخ اسدالله** - بنده تصور میکنم با يك ادنی تا ملی این پیشنهاد بنده را هر کس تصدیق میکند که هیچ اشکالی ندارد و خیلی ساده است .  
عرض کردم شاهزاده مخبر که گوش نمیدهند و نسبت بر عریض بنده توجه نمیفرمایند بنده عرض میکنم نسبت بنفت تصفیه نشده در اینجا چیزی ندارد و رفع احتیاج این مملکت و کارخانجات هم قطعاً نخواهد شد این حساب حساب و تطبیق است و بفرمایند جایش کم میشود و نمیشود رسیدگی کرد نسبت بنفت خود شما و ما در اینجا نوشتیم میزان استهلاك سرمایه مخارجی را که می خواستیم معین کنیم يك قسمتش همان نطف تصفیه شده است که ما معین میکنیم که بچه قیمت بایرانیها میفروشند حالا ایشان می فرمایند کمپانی مجبور نیست سایر مواد را استخراج کند ما هم نمیگویی حتماً استخراج و استفاده کند اگر استفاده کرد و موجود شد محل احتیاج ایرانیها هم شد بایرانیها بفرود .

این امر روشنی است زیرا هر چیزی قیمت دارد با ملاحظه سایر مواد وقتی قیمتش را می نوشتیم آن وقت میزان قیمت و منافش صد دهی که باو فایده ببرد معین میشود اینکه اشکالی ندارد . نمیدانم آقای مخبر این چه اصراری است که دارند

**مخبر** - اصرار بنده برای اینست که آقا درست این ماده را مطالعه فرموده اند برای اینکه اینجا مینویسد دولت باید در امتیاز نامه قید نماید که صاحب امتیاز متعهد است از مقدار نطفی که بموجب این امتیاز بر میداری آنوقت چطور با این دولت معامله کنیم ؟ در اینصورت چه جواب خواهد داد ؟ این است که بنده پیشنهاد کردم مدت استهلاك

دولت و ساکنین ایران حق خواهند داشت که مقدار نطف تصفیه شده و بتزینی حکم برای استعمال و مصرف داخله لازم است ( ولی نه برای صدور از ایران بجهت فروش ) به قیمتیکه حقیقتاً تمام میشود به علاوه صدی ده از صاحب امتیاز خریداری نماید قیمت هر چلیک نطف خارج قیمت منافع ذیل خواهد بود بنده چلیکهای استخراج شده قیمت حقیقی مزبور عبارت است :

(۱) قیمت نطف تصفیه شده که عبارت

دولت و ساکنین ایران حق خواهند داشت که مقدار نطف تصفیه شده و بتزینی حکم برای استعمال و مصرف داخله لازم است ( ولی نه برای صدور از ایران بجهت فروش با قیمتی که حقیقتاً تمام میشود به علاوه صدی ده از حساب امتیاز خریداری نماید بنده عرض میکنم نطف تصفیه نشده به علاوه صدی ده نمیخواهد نطف تصفیه نشده این مخارجی را که در اینجا شرح و بسط داده شده ندارد . پس صرف افزودن يك کلمه نباید دلخوش بود که این کلمه افزوده شده و عبارت اصلاح شده آيا باید عبارت اول ماده تا آخر ماده مربوط باشد یا خیر ؟ اینکه عرض میکنم مطالعه فرموده اند باین جهت است و ممکن است در این نظریه در خارج مطالعه نموده و بتوانون يك تبصره یا يك ماده العاقبه تقدیم مجلس نماییم والا بنده با راجع بکمیسیون مخالف نیستم و عقیده کمیسیون و بنده هم اینست که باید نطف تصفیه نشده را بهر اندازه که هست ما بقیمت نازلی بتوانیم بخریم و از مواد نطفی دیگر هم استفاده کنیم ولی در مجلس بنده نمیتوانم ارجاع این ماده را از طرف کمیسیون قبول نمایم

**رئیس** - آقای حاج شیخ اسدالله که قبول نکردند این مسئله بماند . رای میگیریم بترتیب معمول بقابل توجه بودن قسمت اول پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله آقایانیکه این قسمت را قابل توجه میدانند قیام فرمایند ( عده کثیری قیام نمودند )

**رئیس** - قابل توجه شد . پیشنهاد آقای سدیدالملک ( شرح ذیل قرائت شد )

این بنده پیشنهاد مینمایم که در جمله که حقیقتاً تمام میشود عبارت ( به علاوه صدی ده ) تبدیل شود ( به علاوه صدی شش ) الی آخر ( سدیدالملک )

**رئیس** - آقای سدیدالملک ( اجازه ) **سدیدالملک** - قبل از جنک بین المللی در تمام اروپا ربح سرمایه صدی ۳۰ صد دو و نیم صد دو بیشتر نبوده بعد از جنک قدری ترقی کرد این است که بنده پیشنهاد کردم از پولش صدشش منفعت ببرد و در هشت سال این سرمایه مستهلك شود به علاوه مخبر معترم را بنده چهارم قانون تذکریدم که نوشته است : کمپانی باید به میلیون دلار بعد از تصویب مجلس بوسیله بانکهای معروف امریکا بدولت قرض بدهد و استهلاكش بتزینی باشد که اعتبار دولت را در مالک خارج تشدید نماید ولی این ماده آن اعتبار را کم میکند زیرا فرضاً این کمپانی رفت از يك بانکی برای ما استقراض کند آن بانک در جواب این کمپانی گفت تو خودت صد ده ربح بیاور تا میگیری و سرمایه آنرا در عرض هشت سال بر میداری آنوقت چطور با این دولت معامله کنیم ؟ در اینصورت چه جواب خواهد داد ؟ این است که بنده پیشنهاد کردم مدت استهلاك

دولت و ساکنین ایران حق خواهند داشت که مقدار نطف تصفیه شده و بتزینی حکم برای استعمال و مصرف داخله لازم است ( ولی نه برای صدور از ایران بجهت فروش ) به قیمتیکه حقیقتاً تمام میشود به علاوه صدی ده از صاحب امتیاز خریداری نماید قیمت هر چلیک نطف خارج قیمت منافع ذیل خواهد بود بنده چلیکهای استخراج شده قیمت حقیقی مزبور عبارت است :

(۱) قیمت نطف تصفیه شده که عبارت

رأبیش از هشت سال قرار بدهند که مدت منقضی شود و فایده هم که از نطف میخواهد ببرد بیش از صدشش نباشد **رئیس** - آقایانیکه پیشنهاد آقای سدیدالملک را ...

**مخبر** - چون پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله قابل توجه شد و این ماده کلیتاً به کمیسیون می رود و برای عدم اتلاف وقت و مذاکره زیاد بنده تقاضا میکنم ماده بانجام این پیشنهادها برگردد بکمیسیون والا بنده مجبورم شرح مقتضی برای رد کردن پیشنهاد آقای سدیدالملک عرض کنم چون فرمایشات ایشان ابتدا وارد نیست **رئیس** - پس ماده پانزدهم با پیشنهاد های کمیسیون مراجعه میشود . قرائت میشود ( شرح ذیل قرائت شد )

ماده شانزدهم - سهم دولت از زیات این امتیاز اقل معادل بیست درصد از عایدات خالص هر کمپانی و کمپانیهای خواهد بود که برای اجرای عملیات مختلفه این امتیاز در هر محل و هر قسم چه در داخله چه در خارج ایران تشکیل میشوند در امتیاز باید بیش بینی شود که دولت سهم خود را بترتیب ذیل دریافت خواهد داشت صاحب امتیاز یا کمپانی یا کمپانیهای که بموجب ماده ۱۴ تشکیل میشوند در ظرف ۶ ماه اول هر سال مبلغی که کمتر از صدی بیست منافع خالص سال گذشته نخواهد بود از زیات منافع اجرای این امتیاز بموجب صورت حساب خود بدولت ایران خواهند پرداخت برای اینکه دولت از منافع اضافی که ممکن است از اجرای این امتیاز حاصل شود بهره مند گردد سهم دولت از عایدات خالص بموجب تصاعد ذیل معین خواهد گردید

هر که منافع اضافی کمتر از صدی شصت سرمایه مصروفه باشد سهمی دولت عبارت خواهد بود از ۲۰٪ از منافع خالص .

هر که منافع اضافی مابین ۸۵ و ۹۵ درصد از سرمایه مصروفه باشد ۲۳٪ از منافع خالص

هر که منافع اضافی مابین ۹۵ و ۱۰۰ درصد از سرمایه مصروفه باشد ۲۴٪ از منافع خالص

هر که منافع اضافی مابین ۱۰۰ و ۱۱۰ درصد از سرمایه مصروفه باشد ۲۶٪ از منافع خالص

هر که منافع اضافی مابین ۱۱۰ و ۱۲۰ درصد از سرمایه مصروفه باشد ۲۸٪ از منافع خالص

هر که منافع اضافی مابین ۱۲۰ و ۱۳۰ درصد از سرمایه مصروفه باشد ۳۰٪ از منافع خالص

هر که منافع اضافی مابین ۱۳۰ و ۱۴۰ درصد از سرمایه مصروفه باشد ۳۲٪ از منافع خالص



تبصره - دولت باید در امتیاز نامه صریحاً تعیین نماید که عایدات خالص از منافع اضافی عبارت از چه و ترتیب تشخیص آن در محاسبه از چه فرار است  
رئیس - آقای شیخ الاسلام (اجازه)

شیخ الاسلام اصفهانی - البته عقاید در غیر امور مذهبی آزاد است. بنده با این قانون طوری مخالف هستم که هر وقت و در هر جا متذکر این ماده میشوم متأسف و متأثر میشوم. این يك معدن بسیار مهم در ایران هست گر چه خیلی معدن در ایران هست و شاید کمتر معدنی در دنیا باشد که در ایران نباشد ولی معدن بسیار مهمی که بشود در سایه او يك اصلاحاتی نسبت بمملکت کرد این معدن نفت شمال است حالا اگر ما بیاییم بدون اینکه يك سهم کافی از برای دولت در نظر بگیریم و بدون اینکه دولت را شریک در این معامله قرار بدهیم و بدون اینکه زمینه مثل راه آهن و چیزهای دیگر برای این معامله فراهم کنیم این معدن نفت شمال ایران را بدهیم فرعا بدهیم و آن وقت از منافع خالص صد هشتاد کميانی ببرد و صد بیست بمالك این معدن بدهد این يك چیز عجیبی خواهد بود باج سبیل چیز معروفی است ولی باج سبیل با این بزرگی گمان نمیکنم از اول دنیا تا امروز کسی دیده باشد.

در شور اول عرض کردم در زمان استبداد و در عهد سلطان مغفور با آن ترتیباتی که همه میدانیم و اصل و مأخذش را بنده نمیدانم چیست با همه تفصیل در صد بیست معامله کرده اند صد شانزده بدولت ایران بدهند و صد سه بخوانین محلی و صد يك هم برای سایر مخارجی که کرده اند حالا در ایام مشروطه و در زمان مجلس ما میخواهیم باز همان معامله را تکرار کنیم آقایان میگویند يك فرقهائی است بین این معدن و آن معدن از بابت راه و غیره این فرقه را فرض میکنیم صد يك و صد سه باشد در آن صورت باز هم فرقی نکرده است و بنده چون خیلی اجازه خواسته اند وقت مجلس را تضییع نمیکنم فقط اظهار تأسف و تألم و تأثر میکنم از اینکه يك همچو مطالبی در دوره چهارم از این مجلس میگذرد.  
رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده گمان میکنم جواب آقای شیخ الاسلام مکرر در مکرر در این مجلس داده شد و مکرر صحبت شده در مواد جرئی نباید از کلیات صحبت شود ایشان يك شرح مفصلی راجع به کلیات اظهار کردند حالا يك ترتیبی شده است که هم بنده و هم آقای شیخ الاسلام خارج از موضوع صحبت میکنیم اما ما باید در تحت يك قوانینی صحبت کنیم

بلی بنده خیلی مایل هستم که تمام اموالیکه آمریکائیها دارند مال ما باشد ولی بمانمی دهند اگر میدادند بنده میل داشتم تمام ثروت آمریکائیها و دنیا مال ایران باشد ولی ملاحظه بفرمائید در قانون مقدس اسلام هم برای معادن حقوقی معین کرده اند ما هم حقوق دولت را مطابق قانون اسلام معین کردیم. . . .  
(همه به بین نمایندگان)

آقاسید یعقوب - اجازه بدهید حرفم را بزنم.  
بنده مطالب را از روی تحقیق عرض میکنم آقای حاج میرزا مرتضی هم قدری تأمل بفرمائید تا عرایض بنده تمام بشود اول این صدی بیست که ما معین کرده ایم مطابق قانون اسلام است.  
ثانیاً این معدن را که ما الان میدهیم سالهای سال است همینطور مانده حضرتعالی میل دارید که ما هر چه معدن داریم بماند ولی بنده این عقیده را ندارم و عرض میکنم باید مملکت رو بسعادت و ترقی برود و معادنش کشف شود راه آهن پیدا کند معارفش تکمیل شود همانطور که آباء و اجداد ما این معادن را برای ما گذاشته اند ما هم باید در راه سعادت مملکت آن هارا صرف کنیم.

ثالثاً - شما بفرمائید صدی بیست کميانی بردارد و صد هشتاد باز بنده عرض میکنم مگر مشروطه با حق داده است که کلاه مرد مرا برداریم؟ بفرمائید چون در دوره استبداد صدی شانزده داده اند حالا ما باید صدی هشتاد بگیریم خیر اینطور نیست در همان زمان هم که صدی شانزده داده اند البته ملاحظاتی زیادی کرده اند و همچون بنده است که بکنفر بلخواه بدهد البته ملاحظه منافع مملکت را هم کرده اند منافع مملکت را در نظر گرفتیم

رابعاً شما ملاحظه بفرمائید بسیار قوانین دیگر و امتیاز نامهائی که در تمام دنیا داده شده از قبیل چك اسلاواک . مقدونیه . در امتیاز چك اسلاواک با آنکه اسباب و لوازم حمل و نقل هم تهیه شده و فراهم است حقوقیکه در او منظور کرده اند با این قانون بسنجید می بینید که به حقوق ما تعدی نشده است در خاتمه هم عرض میکنم اگر این قانون در این دوره از مجلس بگذرد از مفاخر دوره چهارم است .

بنده نماینده ملت ایران هستم و از جانب ملت ایران باید صحبت کنم و مطابق آمال ملت ایران حرف بزنم این دوسیه ملت ایران است که وقتی که صحبت امتیاز فقط شد از تمام نقاط ایران صدا بلند شد که اولین افتخار مجلس چهارم گذراندن امتیاز فقط است و اول قدمی است که مجلس برای سعادت مملکت ایران برداشته بنده نماینده ملت ایران هستم و از جانب ملت ایران این حرف را میزنم و امیدوارم

موفق شویم و این قانون را بگذرانیم ( بعضی گفتند مذاکرات کافی است )  
رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمائید  
(جمع کثیری قیام نمودند)  
رئیس - اکثریت است  
(پیشنهاد آقای اقبال السلطان بشرح ذیل قرائت شد)  
پیشنهاد میکنم:

حقوق دولت از معادن نفت شمال صدی دوازده از مواد مستخرج به بدون وضع مخارج باشد.

رئیس - آقای اقبال السلطان ( اجازه )  
اقبال السلطان - آقایان در نظر دارند در موقعیکه قانون مذاکره با استاندار می گذشت ماخذ حقوق دولت صدی ده از عایدات فقط شمال بود بدون وضع مخارج در جلسه خصوصی اظهار شد که کمسیون اظهار کرده صدی ده مساوی با صدی سی و دو بهماز وضع مخارج است و آقای مغیر در همین مجلس اظهار کردند که مخارج تصفیه راهم کاملاً کميانی قبول میکنند حالا اظهارات شان را بنده نمیدانم از روی چه ماخذ بود ولی در هر صورت آن ماخذ ابتدائی حقوق صدی ده بود از مواد مستخرجه از معادن بدون وضع مخارج بعد از آنکه مجلس اجازه داد و با کميانی سینگر داخل مذاکره بشود يك مرتبه ماخذ را تغییر دادند صدی ده قبل از وضع مخارج را مبدل کردند صدی شانزده بهماز وضع مخارج و حال آنکه ما میدانیم که تشخیص بدهیم که این صدی ده که پیشنهاد شده بحال ما نافع بود یا این صدی شانزده که سینگر پیشنهاد کرده و بکمسیون آمده است يك اصلی را اتخاذ کرده و صد چهار را اضافه کرده است بعد صدی بیست شده است و بنده نمیدانم نظریه کمسیون چه بوده است که صدی بیست را بیشتر از صدی ده پیشنهادی استاندارد دانسته است بنده عقیده دارم همانطوریکه صدی ده در سابق پیشنهاد شده بود صدی ده اضافه نمایند و صد دوازده بشود که آنچه از این معدن بیرون میآید صد دوازده اش را مأمورین دولت تحویل بگیرند و بمصرف برسانند.

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمائید.  
(عده قلبی قیام نمودند)  
رئیس - قابل توجه نشد. رأی میگیریم بماده شانزدهم آقایانیکه ماده شانزدهم را تصویب میکنند قیام فرمائید.  
(اکثر نمایندگان قیام نمودند)  
رئیس - تصویب شد ماده هفدهم  
نصرت الدوله - خوب است تنفس داده شود

رئیس - تقاضای تنفس مینمائید ( جمعی گفتند بلی )

موفق شویم و این قانون را بگذرانیم ( بعضی گفتند مذاکرات کافی است )  
رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمائید  
(جمع کثیری قیام نمودند)  
رئیس - اکثریت است  
(پیشنهاد آقای اقبال السلطان بشرح ذیل قرائت شد)  
پیشنهاد میکنم:  
حقوق دولت از معادن نفت شمال صدی دوازده از مواد مستخرجه به بدون وضع مخارج باشد.  
رئیس - آقای اقبال السلطان ( اجازه )  
اقبال السلطان - آقایان در نظر دارند در موقعیکه قانون مذاکره با استاندار می گذشت ماخذ حقوق دولت صدی ده از عایدات فقط شمال بود بدون وضع مخارج در جلسه خصوصی اظهار شد که کمسیون اظهار کرده صدی ده مساوی با صدی سی و دو بهماز وضع مخارج است و آقای مغیر در همین مجلس اظهار کردند که مخارج تصفیه راهم کاملاً کميانی قبول میکنند حالا اظهارات شان را بنده نمیدانم از روی چه ماخذ بود ولی در هر صورت آن ماخذ ابتدائی حقوق صدی ده بود از مواد مستخرجه از معادن بدون وضع مخارج بعد از آنکه مجلس اجازه داد و با کميانی سینگر داخل مذاکره بشود يك مرتبه ماخذ را تغییر دادند صدی ده قبل از وضع مخارج را مبدل کردند صدی شانزده بهماز وضع مخارج و حال آنکه ما میدانیم که تشخیص بدهیم که این صدی ده که پیشنهاد شده بحال ما نافع بود یا این صدی شانزده که سینگر پیشنهاد کرده و بکمسیون آمده است يك اصلی را اتخاذ کرده و صد چهار را اضافه کرده است بعد صدی بیست شده است و بنده نمیدانم نظریه کمسیون چه بوده است که صدی بیست را بیشتر از صدی ده پیشنهادی استاندارد دانسته است بنده عقیده دارم همانطوریکه صدی ده در سابق پیشنهاد شده بود صدی ده اضافه نمایند و صد دوازده بشود که آنچه از این معدن بیرون میآید صد دوازده اش را مأمورین دولت تحویل بگیرند و بمصرف برسانند.  
رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمائید.  
(عده قلبی قیام نمودند)  
رئیس - قابل توجه نشد. رأی میگیریم بماده شانزدهم آقایانیکه ماده شانزدهم را تصویب میکنند قیام فرمائید.  
(اکثر نمایندگان قیام نمودند)  
رئیس - تصویب شد ماده هفدهم  
نصرت الدوله - خوب است تنفس داده شود  
رئیس - تقاضای تنفس مینمائید ( جمعی گفتند بلی )

(سه ربع قبل از ظهر جلسه برای تنفس تعطیل و دیگر تشکیل ننگردید)  
رئیس مجلس - مؤتمن الملك جلسه ۴۸۱

صورت مشروح مجلس یوم شنبه ۲۵ از دهم جوزا ۱۳۰۴ مطابق شانزدهم شوال ۱۳۴۱  
مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای مدرس نایب رئیس تشکیل گردید (صورت جلسه یوم پنجشنبه ۲۴ جوزا را آقای امیر ناصر قرائت نمودند)  
نایب رئیس - نسبت بصورت جلسه مخالفی نیست؟  
آقای دانش ( اجازه )  
آقای میرزا محمد خان دانش - بنده قبلاً از کمسیون اجازه خواسته بودم با این حال بنده را غایب بدون اجازه نوشته اند .

نایب رئیس - آقای کازرونی در صورت جلسه فرمایشی دارید؟  
آقای میرزا علی کازرونی - خبری بعد از تصویب صورت جلسه عرضی دارم  
نایب رئیس - آقای داور چطور  
میرزا علی کبیر خان داور - بنده هم بعد از تصویب صورت جلسه عرضی دارم .

نایب رئیس - پس در صورت جلسه مخالفی نیست؟ صورت جلسه تصویب شده.  
آقای داور ( اجازه )  
داور - در جلسه نهم جوزا يك نفر از آقایان نمایندگان از طرف اکثریت فعلی مجلس اظهار داشت که دولت اکثریت ندارد و بموجب اصل شصت و هفت قانون اساسی منعزل است .

(در این موقع جمعی از نمایندگان از مجلس خارج شدند)  
داور - این حرکت دلیل است بر آن که اکثریت ندارند و باین جهت از مجلس خارج شدند و از این راه میخواهند عقاید خودشان را بر اکثریت تحمیل کنند .  
سالمیمان هیرزا - اگر سابقه بدی در مجلس نگذارید و قانون اساسی را خراب نکنید از مجلس خارج نمیشوند .

داور - بنده عرایض خود را عرض میکنم .  
اصل شصت و هفت قانون اساسی مینویسد :  
در صورتیکه مجلس شورای ملی یا مجلس سنا با اکثریت نامه عدم رضایت خود را از هیئت وزراء یا وزیری اظهار نمایند آن هیئت یا وزیر از مقام وزارت منعزل میشود .  
بموجب اصول حقوقی همینقدر که قبده و معین نشد از فلان راه باید اقدام کرد